

به نام دادارجهان آفرین

انواع کلمات استثنایی در زبان فارسی کدام‌اند؟ تفاوت کلمات استثنایی با کلمات عادی در چیست؟ به چه کلماتی کلمات استثنایی و به چه کلماتی کلمات عادی گویند؟ شناخت تفاوت بین کلمات استثنایی با کلمات عادی در انتخاب روش تدریس مناسب این گونه کلمات چه نقشی دارد؟ روش تدریس کلمات استثنایی با کلمات عادی چه تفاوتی دارد؟ آشنایی با روش تدریس کلمات استثنایی با کلمات عادی چه تأثیری در تقویت مهارت‌های خوانداری و نوشتاری دانش‌آموز دارد؟ از چه پایه‌ای در کتب فارسی دوره ابتدایی آموزش کلمات استثنایی شروع و در چه پایه‌ای کامل می‌شود؟ تدریس زود هنگام کلمات استثنایی در یادگیری بهتر دانش‌آموز مؤثر است؟

نشانه‌ی «ای-ی» در کلمه

کلمات از نظر ارتباط زبان با خط به دو گروه تقسیم می‌شوند: کلمات عادی و کلمات استثنایی. این تقسیم‌بندی تقریباً در تمام زبان‌های زنده دنیا وجود دارد.

الف) کلمات عادی: کلماتی هستند که خواندن و نوشتن آن‌ها یکسان است و به عبارتی، حروفی که در خواندن کلمه تلفظ می‌شوند، در نوشتن به همان اندازه عیناً تکرار می‌شوند، مانند: کتاب، صندلی.

ب) کلمات استثنای: کلماتی هستند که خواندن و نوشتن آن‌ها یکسان نیست. بدین معنا که تعداد واج‌ها یا حروفی که می‌خوانیم، با تعداد حروفی که می‌نویسیم برابر نیست. به همین دلیل به آن‌ها کلمات استثنای گویند.

به منظور تقویت مهارت خواندن و نوشتن در دوره ابتدایی، شناخت کلمات استثنای، آشنایی با روش تدریس مناسب آن‌ها و مهم‌تر از آن، به کارگیری روش تدریس مناسب این‌گونه کلمات، مهارت‌های خوانداری و نوشتاری دانش‌آموزان را در این دوره تحصیلی که مهم‌ترین مرحله‌ی آموزش این‌گونه موارد است تقویت خواهد کرد.

انواع کلمات استثنای در خط و زبان فارسی

۱. کلماتی که در خواندن آن‌ها حروف یا واج‌های بیشتری تلفظ می‌کنیم، ولی در نوشتنشان حروف کمتری به کار می‌بریم، مانند: «خیابان، بیابان، سیاه و بیا». در این واژه‌ها دو حرف «ای-ی» تلفظ می‌شود، ولی در نوشتن فقط یکی از آن‌ها را می‌نویسیم. در نتیجه بین خواندن و نوشتن این کلمات تفاوت ایجاد می‌شود. این شرایط در صورتی در کلمه اتفاق می‌افتد که بعد از مصوت «ای» نشانه‌ی صامت «ی» تلفظ شود. در تدریس این نوع کلمات باید از روش «تدریس کلی» استفاده کنیم، به این معنی که به روش تحلیلی، یعنی بخش و صداکشی حروف، تدریس نکنیم.

نکته: کلماتی که در خواندن آن‌ها اول صامت «ی» و سپس مصوت «ای» تلفظ می‌شود، چون هر دو نشانه «ی-ای» را هم می‌خوانیم و هم می‌نویسیم، از گروه کلمات عادی محسوب می‌شوند، مانند: «پایین، پاییز». روش تدریس آن‌ها نیز مانند سایر کلمات عادی است.

۲. کلماتی مانند خواهش و خواهر که در آن‌ها حروفی نوشته می‌شوند، ولی خوانده نمی‌شوند. برای تدریس آن‌ها نیز باید از روش تدریس کلی استفاده شود. در این‌گونه کلمات حرف «و» نوشته می‌شود، ولی خوانده نمی‌شود. به این «واو» اصطلاحاً معدوله می‌گویند. درباره‌ی سابقه‌ی تاریخی این نشانه در کتاب «سبک شناسی» محمدتقی بهار چنین آمده است:

خو - این حرف در قدیم و بعدها دو حرف مرکب بوده است و شکل پهلوی آن «خو» است. چنانکه شکل اسلامی آن نیز «خو»

بوده است و «واوی مخصوص» را که بعد از حرف «خ» قرار می‌گرفته است، واو معدوله می‌نامیده‌اند و تلفظ آن ترکیبی از «خ» و «و» بوده، چون «خونای» و «خورزمی» و «خورآسان» در تلفظ باید حرف اول را ابتدا ساکن خواند و «واوی» مفتوح را در آن فرو برد. در قرون اخیر تلفظ این حرف فراموش شده است و تنها گردان مغرب ایران آن را درست تلفظ می‌کنند و بختیاریان «خاء» مفتوح و طبرستانیان «خاء» مکسور و سایرین «خاء» مضموم ادا سازند، مثل: خورد، خرد، خود و... و تازیان نیز این حرف را نداشته و ندارند. بنابراین «خوارزم» را به فتح خا و به تصریح «واو» گویند و گاه «واو» بعد از «خ» حذف می‌شود، مانند: «خراسان و خرداد» (بهار، ۱۳۸۵).

شرایط واو معدوله

شرایطی که در خط به وجود می‌آید تا حرف «واو» در زبان معدوله شود، از این قرار است که باید پیش از «واو» حرف «خ» و بعد از آن یکی از حروف «ا - ی» بیاید. برای مثال در کلمات «خویش، خواهر، خواسته، خواهش، خواجه، خواربار، خوان و خواب». اگر بعد از «واو» حرف دیگری جز «ا - ی» باشد، به صدای ضمه تلفظ می‌شود، مانند: «آبخور، آخوست، آبخور، برخوردار». در این گونه کلمات واو معدوله باید درست تلفظ شود. حرف «خ» که پیش از واو معدوله است، در قدیم به آهنگی تلفظ می‌شده که اکنون متروک است. در این زمان، اگر حرف بعد از واو معدوله «ی» باشد، به صدای «یای» کشیده تلفظ می‌شود، مانند خویش، خوید. جز در کلمه «خوی» به معنی عرق و نیز نام شهری در آذربایجان که به صدای «یای» نرم تلفظ می‌شود. اگر بعد از واو معدوله «الف» باشد، به صدای «الف» تلفظ می‌شود، مانند «استخوان، باد خوان، تنخواه، خوارزم، خوانسار».

۳. کلماتی مانند «نوک، جو و دو» که در خواندن واج «أ» تلفظ می‌شود، ولی در نوشتن از واج «واو» استفاده می‌کنیم و اصطلاحاً به آن «أ» استئنا می‌گویند. این گونه کلمات مانند سایر کلمات استئنا الزاماً با روش تدریس کلی باید تدریس شوند.

۴. کلمات تنوین‌دار. مانند تقریباً، حتماً و احتمالاً. در خواندن حرف پایانی این کلمات صدای «أن» تلفظ می‌شود، ولی در نوشتن نشانه‌ی «أ» را می‌نویسیم.

۵. کلمات مختوم به «الف مقصوره». یعنی کلماتی مانند حتی، مرتضی و عیسی. در پایان این کلمات صدای «أ» تلفظ می‌شود، ولی «ی» نوشته می‌شود. برای تدریس این نوع از کلمات هم لازم است از روش تدریس کلی استفاده شود.

۶. کلمات تشدید دار. در این نوع کلمات، دو حرف صامت خوانده می‌شود، ولی در نوشتن یکی از حروف را می‌نویسیم و به جای بار دوم از علامت تشدید «ّ» استفاده می‌کنیم.

کلماتی نشانه‌ی تشدید را می‌پذیرند که:

الف) دو حرف صامت پشت سرهم در آن‌ها تکرار شود.

ب) اولین حرف صامت در یک بخش و دومین حرف صامت در بخش دیگر قرار داشته‌باشد.

ج) حرف اول ساکن و حرف دوم متحرک باشد.

د) این شرایط در کلمات ساده باشد. در کلمات غیر ساده، اگر چه سه شرط بالا موجود باشد، ولی کلمه تشدید نمی‌گیرد. برای مثال کلماتی همچون «بررسی و یادداشت»، چون کلماتی غیر ساده هستند، علامت تشدید نمی‌پذیرند.

۷. کلماتی که نشانه‌ی «ع» در آن‌ها به کار رفته‌است. در زبان فارسی معیار برای حرف «ع» صدای مشخصی نداریم. مثل کلمات علم، معلم، شمع و شروع. لذا در تدریس این واژه‌ها نیز الزاماً باید از روش تدریس کلی استفاده شود.

۸. کلماتی که نشانه‌ی همزه «ء» دارند، مانند: «رأی، مسئله، جزء». چون این نوع واژگان خواندن و نوشتن یکسانی ندارند،

از گروه کلمات استثنایی محسوب می‌شوند و روش تدریس آن‌ها به شیوه‌ی کلی است.

در کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی، به منظور تسهیل در یادگیری بهتر کلمات استثنا، همه‌ی آن‌ها در کتاب فارسی کلاس اول نیامده‌اند. از گروه کلمات استثنا، کلمات دارای «الف مقصوره» در کلماتی مانند حتی و مرتضی، و کلمات دارای نشانه‌ی «نتوین» مانند تقریباً و مثلاً و نشانه‌ی «همزه» مانند جزء، رأی و مؤمن، در کتاب فارسی دوم ابتدایی آمده‌اند و بقیه‌ی کلمات استثنا در فارسی پایه‌ی اول آمده‌اند. لذا کلیه‌ی کلمات استثنا نباید در پایه‌ی اول تدریس شوند.

املا‌ی همزه در خط فارسی

در زبان فارسی همزه در آغاز کلمه می‌آید. به عبارت دیگر، تمام کلماتی که در وسط همزه دارند، مانند «جرأت» یا کلماتی که در پایان همزه دارند، مانند «شیء» کلماتی عربی محسوب می‌شوند و ریشه‌ی فارسی ندارند. از طرف دیگر، در زبان فارسی هیچ کلمه‌ای با مصوت شروع نمی‌شود. باید توجه داشت، کلمه‌هایی مثل اسب، آبادان، ایمان، اجاق و مانند این‌ها که به ظاهر با مصوت شروع شده‌اند، از نظر آواشناسی یک نشانه‌ی همزه‌ی مقدم بر مصوت دارند که اولین حرف آن‌ها محسوب می‌شود. بنابراین، همان گونه که گفته شد، در واژگان فارسی همزه تنها در آغاز می‌آید. به همین سبب، کلماتی که با همزه آغاز می‌شوند، اگر در اول جمله قرار گیرند، همزه‌ی آن‌ها تلفظ می‌شود، ولی چنانچه این کلمات در وسط جمله بیایند و یا جزء دوم یک کلمه‌ی ترکیبی باشند، می‌توان همزه‌ی آن‌ها را تلفظ نکرد.

به این دو جمله توجه کنید: «او را دیدم. از او پرسیدم.» در جمله‌ی اول همزه‌ی «او» تلفظ می‌شود، ولی در جمله‌ی دوم همزه خوانده نمی‌شود. همچنین است در کلمه‌ی «این» در دو جمله‌ی زیر که در اولی همزه تلفظ می‌شود و در دومی تلفظ نمی‌شود. این کتاب را بردار. همین کتاب را بردار.

بر همین اساس است که در اشعار فارسی، غالباً به ضرورت وزن شعر، همزه‌ی آغازین کلمات میان بیت را حذف می‌کنند؛ مانند این بیت از حافظ:

در این بازار اگر سودی است با درویش خرسند است
خدایا منعم گردان به درویشی و خرسندی

برای رعایت وزن شعر، باید آن را با حذف همزه‌های آغازین خواند. همچنین است این بیت از فردوسی:

ندانم که عاشق گل آمد گر ابر
که از ابر بینم خروش هژبر

همزه‌ی «ابر» در مصراع اول تلفظ نمی‌شود، ولی در مصراع دوم باید تلفظ شود. بنابراین، در زبان فارسی همزه‌ی آغازین در تقابل با عدم خود قرار نمی‌گیرد. توجه به این نکته در تدریس فارسی دوره‌ی ابتدایی الزامی است و همکاران گرامی باید به آن توجه خاص داشته باشند، چرا که اگر رعایت این اصول در دوره‌ی ابتدایی نهادینه شود، در صحیح خواندن متن نقش مهمی ایجاد می‌کند.

قواعد املا‌ی کرسی همزه

املا‌ی کرسی همزه، با توجه به اینکه در اول، وسط یا پایان کلمه بیاید، متغیر و تابع شرایطی خاص است.

۱. همزه در اول کلمه: گفته شد که در کلمات فارسی سره، همزه تنها در اول کلمات می‌آید که در این حالت به صورت الف نوشته می‌شود، مانند ابر و انار. در زبان فارسی، اگر فعلی با همزه شروع شود و پیش از آن «با» تأکید یا «نون» نفی بیاید، همزه به «ی» بدل می‌شود. مانند بینداخت، بیفروخت و بیفتاد. اگر همزه مکسور باشد، به حال خود باقی می‌ماند؛ مانند: بایست. اگر فعل با «الف کشیده» یا «مد» آغاز شود، باز هم قلب به «یاء» می‌شود مانند: بیمار است، بیامد، نیرزد.

۲. همزه در وسط کلمه: هرگاه کرسی همزه در وسط کلمه بیاید، در ابتدا تابع حرکت خود همزه است و به صورت ساکن یا متحرک خواهد بود، مانند:

الف) همزه‌ی ساکن در وسط کلمه: کرسی همزه در وسط کلمه متناسب با حرکت حرف ماقبل همزه خواهد بود و انواعی دارد:

الف - ۱ - کرسی همزه‌ی ساکن ماقبل مفتوح با «الف» نوشته می‌شود، مانند: مأمور، مألوف، یأس، تأسیس، مأذن، مأمول، مأمون، مأخذ.

الف - ۲ - کرسی همزه‌ی ساکن ماقبل مکسور روی دندانه قرار می‌گیرد، مانند: بئر، بئس.

الف - ۳ - کرسی همزه‌ی ساکن ماقبل مضموم روی «واو» است، مانند: مؤمن، رؤیت، مؤتمر، مؤتمن.

ب) همزه‌ی متحرک در وسط: کرسی همزه‌ی متحرک در وسط ممکن است مفتوح یا مکسور یا ساکن باشد که تابع قوانین زیر است:

ب - ۱ - کرسی همزه‌ی متحرک مفتوح دقیقاً مانند زمانی است که همزه ساکن است. یعنی کرسی همزه تابع حرکت حرف ماقبل خود است:

ب - ۱ - ۱ - کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل مفتوح، الف است: مانند: تأمل، تأخر، تأدب، تأسف، تأسی، تألم و تانی.

ب - ۱ - ۲ - کرسی همزه‌ی متحرک ماقبل ساکن الف است، مانند: هیأت، جرأت.

ب - ۱ - ۳ - کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل مضموم روی نشانه‌ی «واو» است، مانند: مؤمن، مؤدی، مؤذن، مؤسس، مؤکد.

ب - ۲ - کرسی همزه‌ی مکسور:

هرگاه همزه‌ی متحرک و مکسور در وسط کلمه باشد، کرسی آن به صورت دندانه نوشته می‌شود، مانند: رسائل، مسائل، جرائم و جوائز. از آنجا که در کلمات فارسی همزه در میان کلمات واقع نمی‌شود، گاه گویندگان فارسی زبان همزه‌ی میانی کلمات دخیل را که بین دو مصوت «آ» و «ای» قرار دارد، به قیاس از صامت میانجی، به نشانه «ی» بدل می‌کنند، مانند: «جائز - جایز»، «رسائل - رسایل»، «جوائز - جوایز».

ب - ۳ - کرسی همزه‌ی مضموم

هرگاه همزه‌ی مضموم در وسط کلمه بیاید، کرسی آن «واو» است، مانند مسؤول، مؤونت.

۳. همزه در آخر: در زبان فارسی، همزه‌ی پایان واژه بدون کرسی می‌آید، مانند جزء و شیء. و اگر پس از مصوت بلند باشد، همزه‌ی آن حذف می‌شود، مانند: اعضا، استثناء، اجزا و ابتدا.

توجه:

همزه‌ی پایانی در دو صورت حذف نمی‌شود:

۱. بعد از نشانه‌ی «حرف» صامت، مانند شیء و جزء.

۲. در واژه‌هایی که حذف همزه سبب یکسانی دو واژه‌ی متفاوت شود و معانی آن‌ها را به هم بیامیزد، مانند «سوء و جزء» که در صورت حذف همزه، با کلمات «سو» به معنی «سمت و جهت» و «جز» به معنی «غیر» همانند می‌شوند.

<p>به صورت الف است. مانند: اَسْب، اَبْر</p>	<p>در اول کلمه</p>	<p>کرسی همزه</p>
<p>الف) ساکن (تابع حرکت ماقبل است) ۱. همزه‌ی ساکن ماقبل مفتوح: روی «الف» می‌آید. مانند: مأمور، بَأْس، تَأْسِيس ۲. همزه‌ی ساکن ماقبل مکسور: روی «دندانه» می‌آید. مانند: بَش، بَثْر ۳. همزه‌ی ساکن ماقبل مضموم: روی «واو» می‌آید. مانند: مؤمن، رؤیت و مؤتمن</p>		
<p>ب) متحرک (به سه شکل است: مفتوح، مکسور، مضموم) ۱. مفتوح: الف) کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل ساکن روی «الف» است. مانند: تأمل، تأخر، تأدب ب) کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل ساکن روی «الف» است. مانند: هیأت و جرأت پ) کرسی همزه‌ی مفتوح ماقبل مضموم روی «واو» است. مانند: مؤدب و مؤکد ۲. مکسور: کرسی همزه‌ی مکسور همیشه به صورت دندانه است. مانند: رسائل، مسائل، جرائم و جوائز ۳. مضموم: کرسی همزه‌ی مضموم همیشه به صورت «واو» است. مانند: رؤف، مسؤولیت و رؤس</p>	<p>در وسط کلمه</p>	
<p>الف) حذف می‌شود؛ همزه بعد از مصوت بلند حذف می‌شود؛ مثل: املا و انشا ب) حذف نمی‌شود: ۱. پس از حرف صامت؛ مانند: شیء ۲. در مواردی که دو واژه‌ی متفاوت یکسان تلفظ شوند. مانند: «سوء - سو» «جزء - جز»</p>	<p>در آخر کلمه</p>	

خلاصه‌ی قواعد املا‌ی کرسی همزه

منابع

۱. کتاب راهنمای تدریس کتاب‌های فارسی دوره‌ی ابتدایی دفتر برنامه‌ریزی و تألیف کتاب‌های درسی. بهار، محمدتقی. سبک‌شناسی. توس تهران. ۱۳۸۵.
۲. مشکور، محمدجواد. دستورنامه در صرف و نحو زبان پارسی. شرق. چاپ سیزدهم. تهران. ۱۳۶۸.
۳. باقری، مه‌ری. مقدمات زبان‌شناسی. دانشگاه تبریز. تبریز. ۱۳۷۴.
۴. فرهنگ فارسی دکتر محمدمعین، انتشارات امیرکبیر، تهران. ۱۳۵۶.
۵. زندی، بهمن. خودآموز روش تدریس زبان فارسی «رشته‌ی آموزش ابتدایی» انتشارات مدرسه، تهران. ۱۳۹۰.

یادآوری: رسم‌الخط متن این مقاله در دفتر مجله ویرایش‌شده است و ممکن است بعضی دستورهای خطی و طرز نگارش بعضی کلمات مقاله با شیوه‌نامه‌ی ویرایش این دفتر یکسان نباشد.

پیروز و سرپلند باشید. محمدرضای راهبر آموزشی و تربیتی منطقه‌ی خمین